

دو شرور قمه‌کش که چندی پیش در دو منطقه مختلف تهران اقدام به شرارت کرده بودند، بازداشت شدند.

سرهنگ سعید راستی، رئیس مرکز عملیات پلیس اطلاعات تهران بزرگ در این باره به ایرنا گفت: شاهد اجرای طرح دستگیری دو متهمی هستیم که در شهر تهران شرارت‌هایی انجام داده بودند ولی با حمایت مردم و اقتدار پلیس دستگیر و تحویل قانون شدند. پرونده اول مربوط به طبخانی است که بیش از ۵۰ سال است در محله نارمک مشغول به

پایان فرار ۲ شرور قمه‌کش

لیانا کوچولو قربانی کینه شوهرخاله

کنند، اما شامگاه ۱۸ اسفندماه پلیس جسد بی‌جان او را در حوالی خانه مادر زرخش پیدا کرد. بر اساس اعلام پلیس زوایای مختلف پرونده در حال بررسی است و به زودی اطلاع‌رسانی خواهد شد.

در رفت و آمد بود طوری که بقیه هم متوجه شدند و گفتند چرا این قدر در حال رفت و آمد است. تا جایی‌که وقتی مامور پلیس از او سؤالی پرسید سراسیمه شد. دوست شوهرم که حواسش به رفتار دامادمان بود به همسرم گفت کار خودش است. رفتار دامادمان آن قدر مشکوک بود که پلیس این بار به او گفت برو و از یک ساندویچی برایش ساندویچ بخر. تا رفت ساندویچ بخرد، پلیس سگ را به طرف ماشین دامادمان برد که به محض نزدیک شدن، سگ سروصدا کرد و همین باعث شد تا او را دستگیر کنند و ببرند. او ساعت ۱۲ همان روز که لیانا مفقود شد، دخترم را سوار ماشینش کرده و برده بود.»

مادر دوباره به شدت گریه می‌کند: «گفته بچه‌ام را با وارد کردن ضربه چاقو به قفسه سینه‌اش کشته و بعد یکر بی جانش را زیر لوله آب بزرگی که از کنار خانه دارم رد می‌شد، رها کرده بود. او در اعترافش ابتدا می‌گوید شوهر من باید ۱۲۰ میلیون به او پرداخت می‌کرد که اصلا این طور نیست. او در کل عمرش نه چنین پولی داشت و نه این مقدار را یک جا دیده بود. بار دوم هم گفته بود که من در زندگی شان دخالت می‌کنم که هرگز دخالتی نداشتم. او هیچ مشکلی با من و همسرم نداشت. دخترم یک جفت گوشواره طلا داشت

کار است. ساعت ۶ صبح روز نوزدهم بهمن امسال، متهم با فردی در این طبخانی حضور یافت و قصد درگیری داشت اما آن فرد از مغازه خارج می‌شود و متهم با حمله به صاحبان طبخانی، سه نفر را زخمی و بعد از تخریب مغازه از محل فرار کردند.

وی افزود: با انجام اقدامات پلیسی متهم شناسایی شد ولی هنگام دستگیری مقاومت به خرج داد که کار او باعث شد همکارانم متهم سابقه‌دار را مورد اصابت گلوله از ناحیه پا قرار دهند که به همین دلیل

و من مطمئنم چون دستش خالی بود، گوشواره را برداشته است. چون یک جا گفته بود ای کاش گوشواره لیانا طلا نبود و بدل بود. او وضعیت مالی خوبی نداشت. یک نیشان داشت که چپ کرد و آن را فروخت. دوباره ماشین خرید و با آن هم چپ کرد و فروخت و با ۲۰ میلیون پولش یک پراید خرید که ماهانه حدود ۲۰ میلیون تومان باید قسط می‌داد. همان روز هم سرقسط با خواهرم

تماس گرفته و گفته بود پول کم آورده‌ام و قرض کن. اصلا گوشواره بچه‌ام پنج میلیون یا ۱۰ میلیون قیمت داشت. ارزشش را داشت جان یک بچه را بگیرد؟ بعد از اعتراف هم پنهان آوردند و پس از جست‌وجو بچه‌ام را ساعت ۲۲ شب شنبه پیدا کردند. اجازه ندادند دخترم را ببینم، من دو روز بود که لیانا را ندیده بودم. «مادر از عمق جان ناله و مویه مادرانه سر می‌دهد: «دائم با خودم می‌گفتم بچه‌ام الان گرسنه است، سردش است، سرما خورده و باید او را به

عامل قتل خبرنگار ایرنا در دادگاه کیفری محاکمه شد

روایت مشترک احمد و ژان کلود

زمانی که نماینده دادستان در حال قرائت کیفرخواست بود، انگار امانوئل کاردر حال روایت کتاب خصم بود. ماجرای که سال ۱۹۹۳ فرانسه را در بهت فرو برد و ژان کلود، پزشک قلبی وقتی دید راه‌های مخفی‌اش در حال فاش شدن است، اعضای خانواده‌اش را کشت. احمد، متهم پرونده قتل شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران هم مثل ژان کلود، وقتی فهمید راز ثبت نام نکردن پسرش در مدرسه، نپرداختن اجاره خانه و مشکلات اقتصادی‌اش در حال فاش شدن است، نقشه قتل همسر خبرنگارش، پسر ۱۵ ساله‌اش و خودکشی‌اش را راحی کرد اما نقشه‌اش بعد از قتل همسرش کامل نشد و پیش از کشتن پسرش و اقدام به خودکشی، دستگیر شد.



مقتول

قرص خواب‌آور به پسر ۱۴ ساله‌شان او را نینبیه هوش کرده و قصد قتل وی و سپس خودکشی داشته که با حضور خانواده همسرش و اطلاع به پلیس موفق به انجام این کار نشد. متهم که وکیل سابق دادگستری است، انگیزه خود را از این جنایت هولناک مشکلات عاطفی و مالی عنوان کرده که از ۱۲ سال قبل بین آنها وجود داشت. باتکمیل تحقیقات، پرونده این قتل با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهم دیروز در این شعبه دادگاه کیفری یک از خود دفاع کرد.

در ابتدای این جلسه نماینده دادستان با تشریح کیفرخواست گفت: در این پرونده احمد، وکیل دادگستری بدون سابقه کیفری و دارای فرزند پسر ۱۵ ساله متهم به قتل همسرش منصوره و ایراد جرح عمدی غیر منتهی به قوت است. چهار روز بعد از ارتکاب قتل متهم در تحقیقات اظهار کرد: من تک پسر خانواده بودم که در ۲۸ سالگی با منصوره آشنا شدم و ازدواج کردیم. ۱۲ سال با هم زندگی کردیم که ۱۵ سال آن را قهر بودیم. تنهایی و سکوت روی من اثر گذاشت و در آن اشتباهاتم رقم خورد. پنج سال آخر به متادون پناه بردم. به دلیل فشار مالی به فکر مرگ دسته جمعی افتادم. در ظلمت سراکسی باقی نمی‌ماند برای زیستن. از متهم درباره روز قتل سوال شد که عنوان کرد: یک ماه و نیم از شروع مدارس می‌گذشت و پسرمان را به دلیل فقر مالی در مدرسه ثبت نام نکرده بودم. در این مدت هم این موضوع را مخفی می‌کردم. اما آن روز قرار بود به مدرسه برویم و این یعنی شومی دروغم، رسوایم می‌کرد. هشت و ربع صبح با دمبل دو ضربه به سر

۱۰ روز در بیمارستان بستری بود و هنوز یک گلوله دیگر در پای راست او قرار دارد. این در حالی است که در پرونده دوم در پی برخورد خیلی سطحی دو خودرو با همدیگر در اتوبان شیخ فضل ا... تهران جوان ۲۵ ساله‌ای با قمه به خودروی دیگر حمله و ۱۳ ضربه شدید به خودروی پراید وارد کرد. یکی از شهروندان وظیفه‌شناس از این اقدام شرورانه فیلم گرفت و در اختیار پلیس قرار داد که همین امر باعث کشف سریعتر جرم و دستگیری متهم این پرونده شد.



دکتر بیرم...» میان صحبت‌ها، مادر آن قدر بی تاب می‌شود که متوجه برخی کلمات و جملاتش نمی‌شوم. کمی که آرام می‌شود، می‌گوید: «نمی‌دانم بچه‌ام از خونریزی جان داده یا چه اتفاقی افتاده. ای کاش می‌مردم و راحت می‌شدم. اگر من در زندگی‌اش دخالت کرده بودم، مرا می‌کشت به جگرسهام چه کار داشت؟ خودش دو پسر و نوه هم دارد. هنوز دخترم را ندیده‌ام و نمی‌دانم گوشواره‌اش را برداشته است یا نه. اما من برای او اعدام می‌خواهم.»



دفاع کند که اظهار داشت: سعی ما بر این است که پسر این زوج حداقل از داشتن پدر محروم نشود. موضوع اول که باید آن اشاره کنم، شرایط روانی و عقلانی موکل است. به نظریه پزشکی قانونی که در یک خط اعلام شده اعتراض دارم و خواستار بررسی سلامت موکل در کمیسیون تخصصی هستم. از نظر فقهی اگر شرایط عقلی موکل را بررسی کنیم، مشمول فردی است که از نظر عقلی در شرایطی قرار گرفته که آسیب به عقلش رسیده است. او ۱۵ سال در تنهایی و انزوا بوده است. گزارش پزشکی قانونی ۳ روز بعد از قتل بوده است. خواستار بررسی سلامت موکل در کمیسیون و اعلام اختلال به صورت تفصیلی هستیم. متهم هم در آخرین دفاعیاتش گفت: اینجا قاعده و ماده قانونی مطرح نیست. شما زن دارید؟ زندگی دارید که عبق دردی که من چشیدم را بدانید؟ من مجنون نیستم و در تنهایی مطلق زندگی کردم. نمی‌فهمید هفت سال بدون همسر زندگی کردن یعنی چی؟ در این زندگی چنان ساختم که سوختم. کسی نمی‌تواند درک کند. مادرم سرطان داشت و همسرم با او قطع رابطه کرد. به دلیل این‌که همسرم با من نمی‌آمد خانه پدرم هم نمی‌رفتم. مادرم مرد و من خجالت زده بودم چون همه می‌پرسیدند چرا همسرش نیامد؟ چرا خانواده زنش نیامدند؟ من به دلیل ضربه‌هایی که به همسرم زدم پشیمان شدم چون بلد نبودم درست ضربه بزنم اما از قتل او پشیمان نیستم. یک بار در ساخت و ساز به مشکل مالی خوردم و مجبور شدم طلاهای همسرم را بدون اجازه او بفروشم که دچار شرم حقیقی شدم. البته پول دستم آمد و جبران کردم. همسرم هفت صبح می‌رفت و هفت شب می‌آمد. من بودم و پسرم.

رئیس دادگاه در پایان از مادر مقتول پرسید: با توجه به فرزند مشترک دخترتان و متهم‌حاضر به بخشش هستید؟ که او گفت: این مرد می‌خواست پسرش را هم بکشد. از قصاص نمی‌گذرم. پس از فاعیات متهم و صحبت‌های وکلای دو طرف، قضات ختم دادگاه را اعلام کردند و برای صدور حکم وارد شور شدند.

خبر روز

حوادث

۱۹

INCIDENT

دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ ■ شماره ۲۰۰۲

کوتاه‌از حوادث

سرفت برای گرفتن حضانت دختر

زگر ورشکسته که بعد از جدایی از همسرش نتوانسته بود حضانت فرزند خردسالش را بگیرد، دست به سرفت مسلحانه طلافروشی با پدرش زد که ناکام ماندند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، این پدر و پسر، ساعت ۱۱ صبح شنبه هجدهم اسفند امسال به طلافروشی در محله خزانه تهران رفتند تا نقشه سرفت مسلحانه را اجرا کنند که ناکام ماندند. سارق جوان با شلیک گلوله به طلافروش ۶۰ ساله او را زخمی کرد. متهمان دیروز به شعبه اول بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۴ تهران منتقل شدند. ابتدا متهم میانسال در اظهاراتش گفت: پسرم پس از طلاق، اموالش را از دست داد و شغل مناسبی پیدا نکرد. حال روحی‌اش هرروز بدتر می‌شد و حتی اجازه دیدار فرزندش را هم نداشت. در نهایت تصمیم گرفت از طلافروشی سرفت کند. او خیلی مصمم به این کار بود و من برای این‌که افراد دیگری را نیز درگیر ماجرا نکنم با او همراه شدم که ناکام ماندم. در ادامه سارق مسلح ۳۶ ساله در اظهاراتش

گفت: سال‌ها در زمینه زگرگی فعالیت داشتم و کارگاهم را اداره می‌کردم. چهار سال پیش با همسرم به اختلاف خوردم و از هم جدا شدیم. او مهریه‌اش را که ۴۰۰ سکه بود، در دادگاه خانواده

به اجرا گذاشت و این باعث شد سرمایه و زندگی‌ام را از دست بدهم. بعد از آن، با موتور کار می‌کردم.

همسر سابقم از دو سال قبل اجازه نداد بچه‌ام را ببینم. حال روحی‌ام بدتر شد. خانه و پولی نداشتم که حضانت دخترم را بگیرم که با من زندگی کند. برای درست شدن این شرایط پول نیاز داشتم. ۵۰ میلیون تومان پس انداز کردم و سلاح کلت با ۲۰ فشنگ خریدم. چون کار طلاسازی بود، تصمیم گرفتم از طلافروشی سرفت کنم. چند طلافروشی را زیر نظر گرفتم و دو هفته قبل به عنوان مشتری دو بار به طلافروشی در محله خزانه رفتم که مالک آن مردی ۶۰ ساله بود، چون ضریب امنیتی مغازه‌اش پایین بود، آنجا را برای سرفت انتخاب کردم اما وقتی وارد مغازه شدم مقاومت کرد و با شلیک گلوله به پای طلافروش اهالی فهمیدند و دستگیر شدم. اکبری، بازپرس شعبه اول دادسرای ناحیه ۲۴ تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: برای متهمان قرار قانونی صادر شده و تحقیقات ادامه دارد. طلافروش زخمی هم در بیمارستان بستری است.

خودکشی سرکرده اشرار مسلح

فرمانده انتظامی ایده از دستگیری اشرار مسلح و اراذل و اوباش و خودکشی سرکرده آنها خبر داد. سرهنگ رمضان گروبی، در این باره به سایت پلیس گفت: در پی تحرکات اخیر تعدادی از اراذل و اوباش معروف و سطح یک منطقه و شکایت و گزارش‌های مکرر مردمی مبنی بر ایجاد مزاحمت آنان، دستگیری اشرار مسلح که در سال‌های گذشته با پرونده‌های متعدد مجرمانه از قبیل سرفت مسلحانه، قاچاق مواد مخدر و اراذل و اوباش تحت تعقیب مراجع قضایی و انتظامی بودند در دستور کار این فرماندهی قرار گرفت. سرانجام در عملیاتی مقتدرانه، محل اختفای اشرار در شهرستان ایده شناسایی و محاصره شد. وی افزود: در ادامه این عملیات و دیگری مسلحانه اشرار با ماموران انتظامی چند نفر از اشرار مجروح و دستگیر شدند و سرکرده اشرار که راهی جز تسلیم شدن نداشت با توجه به جرایم ارتكابی و برای فرار از قانون اقدام به خودکشی کرد. از مخفیگاه متهمان سه قبضه سلاح کلاشیکف به همراه فشنگ، دودستگاه بی‌سیم و یک جلیقه ضد گلوله کشف شد.

اعتراف مردی به برادر کشی

مرد ۲۷ ساله که برادر ۲۱ ساله‌اش را با ادعای اختلافات قبلی و خانوادگی با سلاح شکاری به قتل رسانده بود، بازداشت شد.

سردار جمال سلمانی، فرمانده انتظامی استان ایلام در این باره به مهر گفت: در پی اعلام به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر تیراندازی در یکی از محله‌های شهر ایلام تحقیقات پلیسی در این رابطه آغاز شد. دیگری میان دو برادر بوده که موجب زخمی شدن برادر ۲۱ ساله و انتقال به بیمارستان شده است اما در اثر جراحات فوت کرد. ضارب دستگیر و به برادر کشی به انگیزه اختلافات خانوادگی اعتراف کرد.